

شورای تحول محله ای و چهار گام اساسی

محسن صیاد

گروه جهادی بنیان مرصوص از سال ۹۶ فعالیت‌های محرومیت‌زدایی و جهادی خود را در سه شهر بندرعباس، شیراز و خرم‌آباد آغاز کرده و از سال گذشته به محلات حاشیه شهر تهران نیز ورود کرده‌اند؛ الگوی کار جهادی «بنیان مرصوص» مبتنی بر مدلی است که در این مناطق اجرا شده است و خوشبختانه، دستاوردهای خوبی هم در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی کسب کرده است. در ادامه جزئیات این مدل را به روایت محسن صیاد، مسئول گروه جهادی بخوانید.

گام آغازین؛ تعیین نوع مداخله

برای کار در مناطق بحرانی، می‌توان دو نقش تعریف کرد: اول کار در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌ها و ارتقای آن منطقه و دوم – که ریشه‌ای‌تر است – اقدام برای جلوگیری و ممانعت از شکل‌گیری چنین مناطقی است. هر دوی این نقش‌ها در جای خود بسیار مهم است اما در حال حاضر، ما نقش اول را انتخاب کردیم. یعنی هدف‌گذاری ما کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه هدفمان بوده است. البته همین ابتدا بر این نکته تاکید می‌کنم که ما نقش خود را صرفاً به عنوان واسطه و تسهیل‌گر تعریف کردیم و صرفاً با فعال‌سازی ارتباطات و ظرفیت‌هایی که داریم به پشتیبانی از گروه‌های فعال مردمی ساکن در میدان می‌پردازیم؛ بنابراین خود ما به عنوان یک گروه جهادی هیچ وقت وارد کار اجرایی و صف نمی‌شویم و انجام آن را به عهده خود فعالان منطقه‌ای می‌گذاریم.

اهداف اساسی

اهداف کلان ما این است که در یک بازه ۳ تا ۵ ساله در موارد ذیل تحول صورت گیرد: مشارکت اجتماعی، کنترل اجتماعی (از آنجا که این مناطق، معمولاً مهاجرخیز هستند، هویتی محلی خاصی شکل نمی‌گیرد، همچنین مواردی که تازه ایجاد شده‌اند – مثل خیلی از محلات پرنده تهران – اصالتی ندارند و بنابراین مردم دغدغه‌ای نسبت به هم ندارند و میزان کنترل اجتماعی بسیار پایین است)، استضعاف شدید فکری هویتی و معیشتی، امید به زندگی و اعتماد به نفس و در آخر مسائل و چالش‌های مربوط به حوزه زنان، کودکان و خانواده.

چهار گام در میدان

فعالیت ما در میدان، شامل چند گام اساسی است؛ گام اول، اشراف به وضعیت اجتماعی منطقه، شناسایی نظام مسائل، شبکه فرصت‌ها و نقاط قوت آن، پیدا کردن گلوگاه اصلی مسائل و نسبت آنها با هم، شناسایی گروه‌های مرجع و فعالان دارای نفوذ اجتماعی و... است. نکته مهم این است که این شبکه مسائل در هر منطقه متفاوت است و هر کدام ویژگی‌ها و شرایط مخصوص به خود را دارد. این اشراف اطلاعاتی کمک می‌کند که برای عملیات، تلفات کمتری از حیث وقت، هزینه، تعریف برنامه‌های غلط یا بدون اولویت و... بدهیم. گام دوم «اطمینان‌سازی» است. رکن اصلی تمام عملیات‌های ما در دوران فعالیت در مناطق، گام اشراف اطلاعاتی و اطمینان‌سازی است. بنابراین هرچقدر این دو گام باکیفیت‌تر انجام شود، پایداری و اثربخشی فعالیت‌ها در مناطق بیشتر خواهد شد. منظور از دوره اطمینان‌سازی، بازه‌ای حداقل ۶ ماهه است که به محض انتخاب یک منطقه و تصمیم به فعالیت در آن، آغاز می‌شود. در این بازه، ذیل ارتباط و تعاملی که با فعالان فرهنگی اجتماعی منطقه داریم بر اساس نیازها و مسائل مطرح شده توسط آنها، به منطقه خدمات فرهنگی اجتماعی می‌دهیم. مثلاً فعالان را کمک می‌کنیم تا مدرسه فوتبال راه بیندازند، خدمات اردویی، تفریحی و آموزشی به بانوان و دختران ارائه می‌دهیم و مواردی از این قبیل. این دوران کوتاه‌مدت، که عنوان دوره اطمینان‌سازی است، باعث ایجاد اعتماد دوطرفه بین ما و فعالان و نیز فعالان منطقه و مردم می‌شود. نکته‌ای که در اینجا لازم است تاکید کنم، اینکه اگر فعالان یک منطقه متوجه شوند تمام برنامه‌ریزی و عملیات قبلاً بسته شده و صرفاً برای اجرا به سراغ آن‌ها می‌رویم، در ۹۰ درصد موارد عقب می‌نشینند و حاضر به همکاری نیستند. در این مدل، ما حداقل در دوره اطمینان‌سازی، به آنها هیچ طرح و برنامه‌ای ارائه نمی‌دهیم، بلکه صرفاً بر اساس مسائل و موضوعاتی که آنها تشخیص بدهند، به آنها خدمات می‌دهیم؛ بعد از طی شدن دوره اطمینان‌سازی - که ارتباط و تعامل دو طرفه بر مبنای اعتماد و اطمینان شکل گرفت - طرح کلی را با آن‌ها دقیق‌تر می‌کنیم هرچند غالباً همان مسائلی که آنها از قبل تشخیص داده‌اند، همان‌هایی بوده که جزو مسائل اصلی منطقه است.

بعد از طی کردن دوره اطمینان‌سازی، گام سوم، ایجاد شورای تحول محله است. اعضای این شورا را تمام فعالان و چهره‌های منطقه - از امام جماعت مساجد فعال گرفته تا بچه‌های بسیج، خواهران فعال، چهره‌های ورزشی، اجتماعی و... شکل می‌دهند. این‌ها در مناطق هدف، معمولاً جدای از هم کار می‌کنند. کاری که ما می‌کنیم این است که آنها را دور یک میز جمع می‌کنیم تا ناظر به حل مسائل و چالش‌های منطقه هم‌افزایی کنند. در این راستا تعریف کار و تقسیم وظایف صورت می‌گیرد. گام چهارم سازمان‌دهی معین‌های محله است. مناطقی که ما در آن به فعالیت می‌پردازیم، نیاز به کمک دارند و بایستی چه در بحث طرح و برنامه و چه در منابع مالی و زیرساختی به آنها خدمت ارائه شود. در این راستا ما ارتباطات را فعال می‌کنیم و مثلاً مساجد، هیئت‌ها و خیریه‌های مطرح شهر تهران را پای کار می‌آوریم تا معین یک منطقه، مسجد یا هیئت فعال در آنجا شوند و به این ترتیب خدمات زیرساختی، اردویی، امکاناتی و... بین آنها به اشتراک گذاشته شود. به‌عنوان

مثال یک هیئت مشهور تهران را پای کار می‌آوریم تا با همکاری یک هیئت در منطقه، مشترکاً مراسمی آنجا برگزار کنند؛ این هم باعث اعتماد به نفس در بچه‌های هیئتی آنجا می‌شود و هم زمینه شکل‌گیری ارتباط و تعامل بین بچه‌های آن هیئت‌ها را فراهم می‌آورد.

ذیل همین بحث سازماندهی معین‌ها، یکی دیگر از کارها پای کار آوردن دستگاه‌های رسمی است؛ مانند شهرداری، بسیج، دادستانی منطقه، سرکلانتری یا فرمانده انتظامی شهر و امثالهم. کاری که ما انجام می‌دهیم این است که ناظر به مسائل و موضوعات منطقه، تفاهم‌نامه‌ای را با شهرداری کل می‌بندیم و این امر باعث تسهیل تعامل بین شورای تحول منطقه با شهرداری آنجا می‌شود و بچه‌های منطقه در پیچ‌وخم دستگاه‌های اداری معطل نمی‌مانند. مسئله بعدی پای کار آوردن نهادهای منطقه‌ای ناظر به شورای تحول منطقه است. در این خصوص ما به سراغ این نهادها- سرکلانتری، شهردار منطقه، آموزش و پرورش منطقه، بسیج و... - می‌رفتیم و بعد از ارائه طرح شورای تحول، به آن‌ها می‌گفتیم این جلسات مستمراً در حال برگزاری و پیگیری است و درخواست می‌کردیم که تنها ۱۰ درصد از زمان کاری‌شان را صرف حضور در این جلسات بکنند تا پیشرفت همه‌جانبه منطقه‌ای، مشترکاً و در کنار هم به دست آید.

محورهای جهاد

محورهای موضوعی فعالیت ما در مناطق به این شرح است: زنان و خانواده (بایستی تاکید کنم اثربخشی فرهنگی و اجتماعی در یک منطقه، بدون در نظر گرفتن زنان و خانواده، هرگز اتفاق نخواهد افتاد)، ورزشی، کودک و نوجوان، فرهنگی و تبلیغی، امور خیریه و کارآفرینی، امنیت و قضایی، کالبدی و عمرانی، بهداشت و سلامت.

در شورای تحول محله به‌ازای هر کدام از این محورها، یک مسئول و تیمی که توسط آن مسئول تشکیل شده است، وجود دارد. همچنین گروه‌های جهادی‌ای که به منطقه بروند، با این شورا ارتباط خواهند گرفت و بر اساس همین محورها، خدمات و پشتیبانی ارائه می‌دهند. نکته‌ای که مجدداً در اینجا تاکید می‌کنم این‌که در واقع خدمات گروه‌های جهادی توسط همان شورای تحول به مردم و به منطقه عرضه می‌شود و این گروه‌های جهادی صرفاً به‌عنوان یک واسطه و تسهیل‌گر عمل می‌کنند. بنابراین آنچه که در کل تقویت می‌شود جایگاه شورای تحول و تقویت بنیه اجتماعی آن است.